

ایران دکتر علی اکبر ولایتی در نطق اخیر خود (۴ اکتبر ۱۹۹۳) در مجمع عمومی سازمان ملل گفت: «ما امضاء این قرارداد را توطئه‌ای بر ضد اسلام و فلسطین می‌دانیم و با آن مخالف هستیم»^۲.

کوششهای اولیه و غیر ماهرانه ایران برای اصلاح روابط عمومی‌اش در جهان به بدتر شدن اوضاع انجامید. غالباً هنگام طرح ادعای بی‌دلیل و وقیحانه‌ای بر ضد ایران، جمهوری اسلامی تمایل به عکس‌العمل شدید نشان می‌دهد و حکومت با شعارهای بسیار تند خود باعث می‌شود که واقعیت مغشوش گردد. روند حملات به ایران و عکس‌العمل‌های این کشور در قالب شعارهای تند باعث شده است که واقعیت‌های جامعه و سیاست ایرانی در اذهان جهانیان بازتاب درستی نیابد و یک رشته توهّمات و افسانه‌ها، جای واقعیت را بگیرد.

به این ترتیب، پندارهای نادرستی نسبت به ایران در اذهان جهانیان پدید می‌آید.

هدف من در این مقاله، استخراج و توضیح توهّمات و افسانه‌هایی است که درباره ایران ساخته و پرداخته می‌شود. در هر مورد یک پندار یا افسانه مسلط، و یک ضد افسانه تابع وجود دارد.

افسانه مسلط یا سوپر افسانه آن است که توسط انتقادکنندگان از ایران بیان می‌شود. در حالی که ضد افسانه از سوی دوستان و مدافعان ایران در پاسخ به افسانه مسلط عنوان می‌گردد. در این مقاله من هشت نمونه را بیان می‌دارم و تحلیل مختصری از آنها ارائه می‌کنم تا واقعیت آشکار شود. معمولاً این تحلیل و بررسی واقعیت، بیانگر حالتی بین افسانه مسلط و ضد افسانه تابع است.

□ پندار (افسانه) شماره ۱:

ایران کشوری است که در سطح جهان اهمیت چندانی ندارد. به عنوان یک کشور جهان‌سومی، با مشکلات فراوان اقتصادی، ایران از قدرت یا نفوذ کمی برخوردار است و بنابراین نمی‌تواند بر مسائل عمده جهانی تأثیر زیادی داشته باشد. افزون بر این، با سقوط اتحاد شوروی، ایران اهمیت ژئواستراتژیک خود را از دست داده است. هرچند ایران دارای منابع عمده نفت و گاز است، اما این منابع در مقایسه با ذخائر موجود در عربستان سعودی و عراق، اهمیت کمتری دارد. در نهایت، ایران را به عنوان یک بازیگر بین‌المللی می‌توان تا اندازه زیادی نادیده انگاشت.

□ □ ضد پندار شماره ۱:

ایران کشوری بسیار مهم و یک ابرقدرت منطقه‌ای است که همانند مصر، اسرائیل و عربستان سعودی برای منافع آمریکا اهمیت فراوان دارد، کشوری با جمعیتی دو برابر

ایالات متحده و ایران: پندارها و واقعیت‌ها

■ نویسنده: پروفسور جیمز بیل

استاد کرسی حکومت و رئیس مرکز مطالعات بین‌المللی در کالج ویلیام و ماری

□ مترجم: امیر محمد حاجی یوسفی از دانشگاه کارلتون - کانادا

شیمون پرز وزیر خارجه اسرائیل پیوسته ایدئولوژی اسلامی ایران را با کمونیسم یکی می‌خواند، در حالی که دیگر صداهای طرفدار اسرائیل ترجیح داده‌اند ایران را با نازیسم برابر بدانند. مبارزه گسترده اسرائیل همچنین شامل این سناریو است که شاید بشود ایران را درگیر یک جنگ ناخواسته کرد و در نتیجه مانند عراق که در جنگ خلیج فارس شکست خورد، این کشور را نیز به نابودی کشاند.^۲

گروههای دیگر در دولتهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و درون حکومت آمریکا که حافظ منافع اسرائیل یا کشورهای حاشیه خلیج فارس هستند، این زنگ خطر را احساس کرده‌اند. گروههای مخالف حکومت اسلامی در ایران که همواره توسط دولتهای خارجی حمایت مالی می‌شوند - مانند گروه شبه دمکراتیک مجاهدین خلق - با دادن اطلاعات دروغ به رسانه‌های گروهی و مقامات دولت آمریکا، این قضیه را دامن زده‌اند.

از سوی دیگر، برخی سیاست‌های جمهوری اسلامی و شعارهای تند و افراطی، این کشور را هدف انتقادهای فراوان قرار داده است. نمونه تازه‌ای از سیاست ایران، موضع‌گیری این کشور در رابطه با ابتکار صلح فلسطین و اسرائیل است. ایران جزو معدود کشورهای جهان است که بطور کلی این صلح را محکوم کرده است. هرچند سیاستمداران ایرانی در مواضع خود نسبت به این قضیه همیشه یکسان عمل نکرده‌اند، اما درباره موضع رسمی و اساسی جمهوری اسلامی، تردیدی نمی‌توان داشت. وزیر خارجه

□ ابتکار صلح اخیر فلسطین و اسرائیل، موقتاً توجه ناظران را از منطقه نفت خیز و بی‌ثبات خلیج فارس منحرف کرده است. با این وجود، خلیج فارس چون دیگر جوشانی از نابرابریهای اقتصادی، مشکلات سیاسی و دشمنی‌های منطقه‌ای باقی می‌ماند. بدبختی‌های ناشی از دو جنگ خلیج فارس خبر از بحران‌هایی پیوسته، با بی‌آمدهای انفجاری و غیر قابل پیش‌بینی - هم برای منطقه و هم برای جهان - می‌دهد.

با شکست عراق، جمهوری اسلامی ایران به عنوان قدرت مسلط در خلیج فارس سربرآورده است. با وجود سختی‌های ناشی از انقلاب و جنگ ویرانگر ۹۵ ماهه با عراق، ایران همچنان یک قدرت منطقه‌ای شناخته می‌شود. جمهوری اسلامی، جمعیتی ۶۰ میلیونی، ذخائر سرشار نفت و گاز، یک طبقه متوسط تحصیل کرده و قابل اعتنا، ارتشی جنگ دیده و یک سیستم سیاسی نهادی شده دارد. ایران سرسختانه از سیاست خارجی مستقل پیروی می‌کند و یکی از عرضه‌کنندگان برجسته ایدئولوژی اسلامی مردمی و فعال در جهان است.

ظهور مجدد قدرت ایران در خلیج فارس - هرچند به شکل موقت - زنگ خطر را در بسیاری از محافل بین‌المللی به صدا درآورده است. برای نمونه، اسرائیل مبارزه‌ای منسجم را شروع کرده است تا با مغشوش کردن چهره ایران، جمهوری اسلامی را بدنام و دشمن شماره یک معرفی کند. به گفته یک سخنگوی اسرائیلی «تمام تاسیسات سیاسی و فکری اسرائیل به خدمت گرفته شده است تا ایران در همه جا بدنام شود»^۱.

سیاسی را نشان می‌دهد. از سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) به بعد، در جمهوری اسلامی بطور منظم هر چهار سال یک بار انتخابات برگزار شده است. هر فرد ۱۶ سال به بالا - چه مرد و چه زن - از حق رأی برخوردار است.

مباحثات و مذاکرات مجلس شورای اسلامی بطور واضح، صریح و علنی صورت می‌گیرد. در مقایسه با وضع کنونی در دیگر کشورهای خلیج فارس، رکورد مشارکت سیاسی در ایران خیره کننده است. با این وجود، به هیچ گروه یا حزب سیاسی رسماً اجازه فعالیت داده نشده است. از عملکرد قضائی در زمینه حقوق بشر، و نیز رفتار نیروهای امنیتی و انتظامی انتقاداتی به عمل آمده است. هم‌اینک یک پرسش اساسی در برابر رهبران جمهوری اسلامی قرار دارد و آن مربوط به افزایش آزادی‌های سیاسی در کشور است: آیا باید به سیاست بازگشایی هر چه بیشتر نظام سیاسی کشور ادامه داد؟ با توجه به مشکلات اقتصادی، آیا ممکن نیست اصلاحات سیاسی، به بروز مشکلاتی برای رئیس‌جمهور بینجامد؟

آیا اعمال کنترل مقتدرانه و مرکزی برای انجام اصلاحات اقتصادی که در مواردی مخالفانی نیز دارد ضروری است؟

□ پندار شماره ۴:

ایران یک پدیده غیر قانونی بین‌المللی است. این کشور پشتیبان عمده تروریسم بین‌المللی و مسئول خشونت‌های موجود در نقاط مختلف از الجزیره تا قاهره و از عربستان تا بیروت است. این نظر درباره ایران بطور کلی از سوی مقامات رسمی و بلندپایه آمریکائی مانند وارن کریستوفر وزیر خارجه و مادلین آلبرایت نماینده آمریکا در سازمان ملل مطرح و دامن زده می‌شود. نماینده آمریکا در سازمان ملل حتی آنقدر پیش می‌رود که ایران را مسئول رخدادهای سومالی می‌خواند!

□□ ضد پندار شماره ۴:

ایران به هیچوجه تروریسم را حمایت و تشویق نمی‌کند. رهبران ایران، از جمله رئیس‌جمهور، پیوسته تروریسم و خشونت را محکوم کرده‌اند. در واقع مداخله ایران در مناطقی مانند آسیای میانه و لبنان باعث شده است که تنش‌های سیاسی کاهش یابد و مشارکت مردمی در حکومت‌ها بیشتر شود.^۲

● تحلیل:

اساساً برای تأیید ادعاهای دروغین در زمینه دخالت و مسئولیت ایران در قیام‌های مردمی در مناطقی چون مصر، سودان، الجزایر و تونس مدرک قاطعی وجود ندارد. هم‌اینک بی‌اساس بودن بسیاری از اتهاماتی که پیش از این به ایران وارد می‌آمد ثابت شده است، مانند متهم کردن

□ با وجود سختی‌های ناشی از انقلاب و جنگ ویرانگر ۹۵ ماهه با عراق، ایران همچنان یک قدرت منطقه‌ایست.

□ همه‌توان سیاسی و فکری اسرائیل به کار گرفته شده است که جمهوری اسلامی در جهان بدنام شود. اسرائیلی‌ها همچنان در پی آنند که بار دیگر ایران را درگیر جنگی ناخواسته کنند.

□ بسیاری از سیاستمداران و تحلیلگران غربی خریدهای نظامی ایران را نشانه قدرت تهدید کننده ایران قلمداد می‌کنند ولی چشم بر جنگ‌افزارهای گشوده و بسیار پیشرفته‌ای که همسایگان ایران خریده‌اند و می‌خرند، می‌بندند. در سال ۱۹۹۰، عربستان سعودی با جمعیتی در حدود ۱۶ درصد جمعیت ایران، تقریباً ده برابر ایران سلاح خرید.

کشاورزی و ساختار صنعتی بیمار، برنامه‌ریزی‌های ناهماهنگ، نشانه‌هایی از فساد مالی و کمبود ارز خارجی، نظام سیاسی ایران پابرجا مانده است و با ثبات به نظر می‌رسد. هیچگونه آترناتیو قابل توجهی در برابر حکومت کنونی وجود ندارد. مجاهدین خلق به علت همکاری با صدام حسین جایی در کشور ندارند و سلطنت‌طلب‌ها با رقابت‌ها و گروه‌گرانی‌های درونی، قدرت خویش را از دست داده‌اند.

□ پندار شماره ۳:

جمهوری اسلامی ایران در واقع نظامی دیکتاتوری و بی‌رحم و دارای مشی پلیسی است که از راه ایجاد ترس به حکومت خود ادامه می‌دهد. هیچگونه مشارکت سیاسی در این حکومت وجود ندارد و از طرح انتقادات سیاسی و مخالفت با حکومت به هر نحو جلوگیری می‌شود.

□□ ضد پندار شماره ۳:

جمهوری اسلامی نظامی سیاسی است که در آن انتخابات گسترده وجود دارد و مردم از حق مشارکت سیاسی برخوردارند. در این نظام حقوق بشر تا حد ممکن رعایت می‌شود، مگر در مواردی بسیار حساس و البته، بسیار نادر.

● تحلیل:

ایران نمونه‌های مختلف و مهمی از مشارکت

جمعیت تمام کشورهای خلیج فارس و یک پیام اسلامی که مرزها را درنوردیده است. ایران همچنان در همان مرتبه‌ای است که قدرت‌های منطقه‌ای چون هند، چین، مکزیک و ژاپن هستند.

● تحلیل:

ایران به عنوان یک بازیگر در صحنه جهانی نه از اهمیت خارق‌العاده برخوردار است و نه چنین است که کاملاً بی‌اهمیت باشد. در منطقه خلیج فارس ایران قطعاً یک عامل بسیار مهم به شمار می‌رود. اهمیت ایران به ویژه پس از شکست عراق کاملاً مشهود است. هیچگونه توافق جدی امنیتی در منطقه بدون حضور ایران ممکن نیست. هرچند سقوط شوروی اهرمی را که ایران در دوران جنگ سرد در اختیار داشت از او گرفته، اما وقایع سیاسی اخیر در روسیه و نیز بی‌ثباتی و اوضاع غیر قابل پیش‌بینی در آسیای میانه، ایران را از اهمیت سیاسی تازه‌ای برخوردار کرده است. ایران دارای ۱۶۰۰ کیلومتر مرز مشترک با کشورهای آسیای میانه و روابط نزدیک تاریخی و فرهنگی با آنها، به ویژه با تاجیکستان است.

□ پندار شماره ۲:

جمهوری اسلامی ایران ذاتاً یک نظام سیاسی بی‌ثبات و ناپایدار است. یک رژیم مذهبی افراطی در جهان مدرن نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. مردم ایران بطور کامل دل‌سرد شده‌اند و رژیم از مشروعیت برخوردار نیست. در واقع ایران در صحنه بین‌المللی یک موجود مرده است. گروه‌های مخالف رژیم آمادگی کامل دارند که قدم پیش گذارند و کنترل اوضاع را در دست گیرند. سقوط جمهوری اسلامی بسیار نزدیک است.

□□ ضد پندار شماره ۲:

جمهوری اسلامی بطور اساسی با ثبات و پایدار است. رژیم از حمایت قاطبه مردم ایران برخوردار است. رهبران، کنترل کامل کشور را در دست دارند. این حقیقت که جمهوری اسلامی با وجود همه تهاجمات، ترورهای سیاسی، محاصره‌ها و زمین‌لرزه‌ها همچنان پابرجا مانده است و جشنهای پانزدهمین سالگرد پیروزی انقلاب را برگزار می‌کند، خود نشان دهنده ثبات پایدار آن است.

● تحلیل:

ایران در نهادینه کردن سیستم سیاسی خود - شامل یک رئیس‌جمهور منتخب، یک مجلس با ۲۷۰ نماینده منتخب، یک کابینه منتخب از سوی رئیس‌جمهور و تأیید شده بوسیله مجلس، یک رهبر فقیه و یک سلسله شوراهای سیاسی با اعضای انتخابی یا انتصابی، موفقیت شایان توجهی داشته است. به هر حال این موفقیت نسبی سیاسی با ناکامی‌هایی در زمینه اقتصادی همراه بوده است. با وجود رشد سریع جمعیت،

کرده است.^۸

جمهوری اسلامی با هرگونه مداخله دولت‌های خارج از حوزه خلیج فارس در مسایل منطقه مخالف است و می‌خواهد نقش طبیعی خود را در امور خلیج فارس بازی کند.

□ پندار شماره ۶:

ایران در حال مجهز کردن خود به انواع سلاح‌های خطرناک است. این کار که شامل خرید چند زیردریایی از روسیه و موشک‌هایی از چین است، گسترده‌تر از آن است که ایران بطور مشروع برای دفاع از خود لازم دارد. ایران هر سال مقادیر هنگفتی صرف خرید جنگ‌افزار می‌کند.

□□ ضد پندار شماره ۶:

جمهوری اسلامی از نظر نظامی کشوری ضعیف است. به علت مشکلات عظیم اقتصادی، ایران علاقه چندانی به مسائل نظامی ندارد و در واقع، مقدار ناچیزی از بودجه خود را صرف خریدهای نظامی می‌کند.

● تحلیل:

این افسانه، پیوسته به شکل گسترده‌ای در رسانه‌های غربی تکرار می‌شود. در درون دولت آمریکا، رؤسای سابق و کنونی سازمان اطلاعات مرکزی (سیا) بارها ایران را به داشتن این گرایش متهم کرده‌اند. در فوریه ۱۹۹۳ (بهمن ۱۳۷۲) «وولسی» در برابر کمیته سنای آمریکا درباره «خریدهای نظامی گسترده و پر هزینه ایران» اعلام خطر کرد و گفت این امر نشان دهنده قصد ایران برای تسلط بر همسایگان خود و حتی رسیدن به چیزی بیشتر از آن است.^۹ این که ایران تلاش می‌کند ارتش خود را که قسمت عمده آن در جریان جنگ ۹۵ ماهه با عراق آسیب دیده است بازسازی کند، حقیقت دارد. همچنین مهم است که ایران و خریدهای نظامی آن را، در سطح منطقه‌ای با دیگر کشورهای همسایه مقایسه کنیم.

اولاً، با وجود خساراتی که در طول جنگ خلیج فارس به عراق وارد شده، این کشور هنوز در مجموع، دارای بزرگ‌ترین تأسیسات نظامی در منطقه خلیج فارس است. از سوی دیگر، این واقعیت غیر قابل تردید است که عراق، آغازگر جنگ بوده و به ایران تجاوز کرده است.^{۱۰} لذا ایران، مانند دیگر کشورهای خلیج فارس، بطور منطقی و عقلانی نگران مقاصد نظامی آن کشور است. یک مقایسه ساده میان نیروی هوایی کشورهای منطقه نشان می‌دهد که ایران از همه کشورهای همسایه عقب‌تر است. ایران با داشتن ۲۰۶ هواپیمای جنگنده که تنها ۴۰ فروند آن «میگ ۲۹» و از نوع پیشرفته است، باید در کنار کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با مجموع ۶۲۴ فروند هواپیما شامل هواپیماهای

□ در دهه ۱۹۸۰، حکومت آمریکا از صدام حسین که خاک ایران را مورد تجاوز قرار داده بود پشتیبانی کرد. همچنین با حمله به تأسیسات دریایی و نفتی ایران در خلیج فارس، محاصره اقتصادی، و سرنگون کردن هواپیمای مسافربری ایران، دشمنی خود با جمهوری اسلامی را نشان داد.

□ وارونه‌سازی حقیقت است که تهران را پایتخت و پایگاه مرکزی تروریسم در جهان امروز بخوانیم و آنرا برای همه حوادثی که در دنیای اسلام رخ می‌دهد سرزنش کنیم.

□ کویت از عربستان سعودی و عراق بیشتر نگران است تا ایران، زیرا آن دو کشور در طول تاریخ نسبت به خاک کویت طمع ورزیده‌اند. در خود عربستان نیز زیادند کسانی که احساس می‌کنند عراق خطر عمده است نه ایران.

در منطقه خلیج فارس می‌گذرد، زیرا از پیامدهای آن برکنار نخواهد ماند. ایران با داشتن طولانی‌ترین کناره آبی در مقایسه با هر یک از کشورهای خلیج فارس، خود را صاحب حقوق و مسئولیت‌های ویژه در منطقه می‌داند. در تاریخ معاصر، ایران هیچگاه دست به کشورگشایی نزده و قصد فتح خاک همسایگان را نداشته است. به استثنای گروهی کوچک در عربستان و امارات متحده عربی، دولت‌های خلیج فارس در مجموع معتقدند که ایران هیچ برنامه‌ای برای ضمیمه ساختن کشورهای همسایه به خاک خود ندارد. برای نمونه، کویت در این زمینه از عربستان و عراق بیشتر نگران است تا از ایران، زیرا این دو کشور در طول تاریخ، نسبت به خاک کویت طمع ورزیده‌اند. همچنین کشور قطر نگرانی بیشتری از مطامع عربستان دارد. گروه‌های مختلفی نیز در عربستان احساس می‌کنند که نه ایران، بلکه عراق است که خطر عمده برای عربستان به شمار می‌رود.

از نوامبر ۱۹۸۹ (آذر ۱۳۶۸) به این سو، ایران با گسترش فعالیت‌های دیپلماتیک خود، در پی بهبود روابط با کشورهای خلیج فارس بوده است. در این روند، ایران همواره بر نیاز به همبستگی و همکاری میان کشورهای منطقه تأکید کرده است. ایران همچنین برای گسترش روابط خوب با کشورهای همسایه، اقدام به برگزاری یک رشته سمینار و کنفرانس بین‌المللی در تهران

ایران به مین‌گذاری در دریای سرخ در دهه ۱۹۸۰. در واقع رئیس‌جمهور ایران نقش عمده‌ای در آزادسازی گروگانهای پرواز ۸۴۷ هواپیمای T.W.A در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) داشته است. وی در پیام خود به مجلس به مناسبت آغاز دوره تازه ریاست جمهوری اش در اوت ۱۹۹۳ گفت:

«ما فکرمی‌کنیم و معتقد هستیم که اسلام در یک جو آرام و امن خیلی بیشتر از یک جو پر از تنش و ماجراجویی توانایی نفوذ و گسترش دارد.»^۵

خشونت‌های جاری در مصر و بیشتر کشورهای اسلامی ناشی از مشکلات داخلی از جمله مسائل و محرومیت‌های اقتصادی - اجتماعی و عدم کارایی نظام‌های سیاسی است. چنین برداشتی از اظهارات ادوارد جرجیان معاون وزیر خارجه آمریکا به خوبی مشهود است: «در تحلیل نهایی، به هر حال باید توجه شود که بی‌عدالتی اجتماعی و کمبود فرصت‌های اقتصادی، آموزشی و سیاسی، به افراطی‌ها در کشور پایگاه مردمی می‌دهد.»^۶

از سوی دیگر، به عنوان مثال، گرچه کشورهای مسلمانی مانند کویت، عربستان سعودی، مصر و اردن حمایت‌های مالی قابل توجهی از «حماس» کرده‌اند، اما ایران به صورت پشتیبان خارجی عمده این نهضت درآمده است.^۷ البته مهم‌ترین موردی که علیه ایران عنوان می‌شود حکم اعدام سلمان رشدی است. به هر حال، وارونه‌سازی حقیقت است که تهران را پایتخت و پایگاه مرکزی تروریسم در جهان امروز بخوانیم و آنرا برای تمام حوادثی که در دنیای اسلام رخ می‌دهد سرزنش کنیم.

□ پندار شماره ۵:

ایران در پی تهاجمی امپریالیستی است و می‌کوشد با تقویت بنیه نظامی خود و پیروی از سیاست کشورگشایی، بر منطقه خلیج فارس تسلط یابد. با وجود عراق شکست خورده و ضعیف شده، ایران به دنبال فرصت مناسبی است تا همسایگان را نابود کند و در نهایت، کشورهای مانند بحرین و کویت را ضمیمه خاک خویش سازد.

رفتار تجاوزگرانه جمهوری اسلامی در سال ۱۹۹۲ (۱۳۷۱) در خلیج فارس دلیلی بر این مدعاست.

□□ ضد پندار شماره ۵:

جمهوری اسلامی ایران مطلقاً قصد نفوذ در منطقه خلیج فارس را ندارد. با توجه به دلمشغولی ایران به مشکلات داخلی، این کشور خواهان آرامش است و مایل نیست مستقیماً در امور خلیج فارس درگیر شود.

● تحلیل:

ایران عمیقاً نگران وقایع و مسائلی است که

بیشرفته «اف - ۱۵»، «میراژ ۲۰۰۰» و جنگنده‌های «تورنادو» زندگی کند. عربستان سعودی نیز به تازگی دستور خرید ۱۵۰ فروند هواپیمای «اف - ۱۵» را صادر کرده است. این واقعیت نیز که عراق حتی پس از عملیات «طوفان صحرا» همچنان دارای ۲۶۱ فروند هواپیمای جنگنده تاکتیکی است، زنگ خطری برای ایران محسوب می‌شود.

یک معیار مؤثر دیگر برای محاسبه هزینه‌های نظامی ایران، روش مقایسه تاریخی است. ایران در زمان انقلاب، ۴۴۷ فروند هواپیمای پیشرفته جنگی در اختیار داشت و ۲۰۰ فروند دیگر نیز سفارش داده بود. این تعداد، چند برابر تعداد هواپیمایی است که جمهوری اسلامی هم اینک در اختیار دارد. از لحاظ سهم خریدهای نظامی از کل بودجه، ایران در طول چهار سال گذشته، همه ساله کمتر از ۳ میلیارد دلار صرف خریدهای نظامی کرده، در حالی که عربستان سعودی با جمعیتی حدود ۱۶ درصد جمعیت ایران، در سال ۱۹۹۰ سیزده و نیم میلیارد، و در سال ۱۹۹۱ سی و یک و نیم میلیارد دلار اسلحه خریداری کرده است. در فاصله سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۲، عربستان سعودی و عراق جمعاً ۷۹/۶ میلیارد دلار سلاح دریافت کردند، در حالی که خریدهای نظامی ایران در این مدت رقم قابل توجهی را تشکیل نمی‌دهد.^{۱۱}

هرچند کارشناسان دریائی غربی تخمین زده‌اند که سالها طول می‌کشد تا ایران بتواند زیردریانیهای خریداری شده از روسیه را به کار اندازد، اما ناظران این خریده‌ها را نشانه‌ای از قدرت نظامی تهدید کننده ایران قلمداد کرده‌اند. این در شرایطی است که هیچگونه اشاره‌ای به سلاحهای گشوده و بسیار مدرنی که توسط همسایگان ایران خریداری شده است نمی‌شود. برای نمونه، یک دولت کوچک منطقه، دستور خرید ۳ میلیارد دلار موشکهای پیشرفته «کروز» ساخت فرانسه موسوم به «آپاچی» را داده است که با ظرفیت آن کشور، هیچگونه تناسبی ندارد. یکی دیگر از همسایگان ایران، در حال خرید ماهواره‌های ضد اطلاعاتی گران قیمت است.

با توجه به وجود چنین همسایگانی و قدرت نظامی آنها، خریدهای نظامی ایران در واقع نسبتاً کم و معمولی به نظر می‌رسد. به هرحال برای هیجانی که در رابطه با افسانه‌پردازی پیرامون خریدهای نظامی ایران پدید آمده، هیچگونه دلیل عقلانی وجود ندارد.

اما در این میان یک مسأله همواره بایستی دنبال شود و آن برنامه‌های اتمی ایران است، هرچند گروه اعزامی از طرف سازمان بین‌المللی انرژی اتمی به ایران، در بازدید خود از چند محل در فوریه ۱۹۹۲ و نوامبر ۱۹۹۳ نتیجه گرفته که برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی صلح‌آمیز است.

□ اساساً برای تأیید ادعاهای دروغین در زمینه دخالت و مسئولیت ایران در قیامهای مردمی در مناطقی چون مصر، سودان، الجزایر و تونس مدرک قاطعی وجود ندارد. امروزه بی‌پایه بودن بسیاری از اتهاماتی که پیش از این به ایران وارد می‌آمد، ثابت شده است.

□ ادامه فشار بر ایران با این هدف که آن کشور از لحاظ سیاسی منزوی و از نظر اقتصادی به زانو درآید، استراتژی بی‌هوده‌ایست که سیاستمداران آمریکائی پیگیر آن هستند.

□ در تاریخ معاصر، ایران هیچگاه دست به کشورگشائی نزده و چشم به خاک همسایگانش نداشته است. جز گروهی کوچک در عربستان سعودی و امارات متحده عربی، دولتهای حوزه خلیج فارس در مجموع معتقدند که ایران هیچ برنامه‌ای برای ضمیمه کردن کشورهای همسایه به خاک خود ندارد.

□ پندار شماره ۷:

ایران کاملاً مسئول تیرگی و قطع روابط با آمریکا است. برای اثبات این قضیه معمولاً به نکات زیر اشاره می‌شود: سیاست‌های افراطی، گروگان‌گیری، تعصب مذهبی، شعارهای ضد آمریکایی، نقض حقوق بشر و پشتیبانی از تروریسم و خشونت سیاسی در خارج. ایران با انجام مذاکرات صلح بین اسرائیل و فلسطین مخالفت کرده و از حرکت‌های بنیادگرای اسلامی در سراسر جهان حمایت می‌کند.

□ ضد پندار شماره ۷:

در واقع، مقصر اصلی قطع روابط دو کشور، آمریکا است. پس از سالیان دراز پشتیبانی از رژیم فاسد و مستبد پهلوی، ایالات متحده به شکل بسیار خشن و لجوجانه‌ای با انقلاب ایران به مخالفت برخاست. حکومت آمریکا با اتخاذ سیاست خصمانه در برابر ایران در دهه ۱۹۸۰، از صدام حسین که خاک ایران را مورد تجاوز قرار داده بود حمایت کرد. همچنین آمریکا با حمله به تأسیسات دریائی و نفتی ایران در خلیج فارس، محاصره اقتصادی و سرنگون کردن هواپیمای

مسافربری ایران با ۲۹۰ سرنشین، دشمنی خود با جمهوری اسلامی را به اثبات رسانید. در مورد حادثه سرنگونی هواپیمای ایرانی، سخنگویان دولت آمریکا نه تنها دروغ گفتند بلکه به فرمانده ناو آمریکائی که به شیوه‌ای غیر انسانی - ولو اشتباهاً - دستور ساقط کردن هواپیمای مسافربری را داده بود، مدال افتخار دادند.^{۱۲}

● تحلیل:

ایالات متحده و ایران هر دو نکاتی را مطرح و از یکدیگر اظهار ناراحتی می‌کنند. اما به نظر می‌رسد وقت آن رسیده است که دو کشور به جای این که بی‌پایه یکدیگر را متهم کنند و در برابر هم موضع بگیرند به شنیدن حرفهای یکدیگر بپردازند و در واقع، دیالوگ و مذاکره سازنده‌ای را شروع کنند. پرسش اساسی این است که آمریکا چه سیاستی باید نسبت به ایران در پیش گیرد؟ در پاسخ به این پرسش، همچنان دو دیدگاه مخالف و افراطی وجود دارد.

□ پندار شماره ۸:

ایران باید به عنوان یک دولت غیر قانونی شناخته شود و سیاست آمریکا نیز بایستی بر این اساس شکل گیرد. باید این کشور را مجبور کرد که رفتار خود را در سطح بین‌المللی تغییر دهد. با زیر فشار گذاشتن جمهوری اسلامی و محکوم و محاصره کردن ایران، باید آن را منزوی کرد. بعلاوه باید این کشور را بی‌پایه در کانون ترس و وحشت قرار داد تا ضعیف و ضعیف‌تر شود و سیاست‌های خود را همسو و همخوان با اهداف و منافع آمریکا قرار دهد. حتی اگر لازم باشد باید دولت کنونی ایران را سرنگون کرد و انقلاب این کشور را عقب راند.

□ ضد پندار شماره ۸:

ایالات متحده باید با گام برداشتن به سوی ایران، ارتباط خود را با این کشور بهبود بخشد. دولت آمریکا در حالی که اشتباهات و کژاندیشی‌های گذشته خود را می‌پذیرد، باید گذشته‌ها را فراموش کند. و در پی پایه‌گذاری یک اتحاد جدید با ایران در منطقه برآید.

● تحلیل:

سیاست جاری آمریکا در فشار آوردن به ایران و بطور کلی محکوم کردن این کشور براساس یک رشته تحلیل‌های اشتباه و درک نادرست واقعیت‌ها پایه‌گذاری شده است. این به سود آمریکا است که سیاست خود در برابر ایران را بار دیگر مورد بررسی و بازبینی قرار دهد. ادامه فشار بر ایران با این هدف که آن کشور از لحاظ سیاسی منزوی و از نظر اقتصادی به زانو درآید، در واقع استراتژی بی‌حاصلی است که سیاستمداران آمریکایی پیگیر آن هستند. در صحنه بین‌المللی، ایران سعی می‌کند به گونه‌ای

۴. برای نمونه رجوع کنید به نوشته‌های هوشنگ امیر احمدی در:

H. Amirahmadi and J. A. Bill (eds.), *The Clinton Administration and the Future of U.S. - Iran Relations*, (Washington D.C.: Middle East Insight Policy Report, 1993), p.32.

۵. ایران تایمز، ۱۳ اوت ۱۹۹۳، ص ۱.

۶. ادوارد جرجیان، متن شهادت در برابر کمیته سیاست خارجی مجلس نمایندگان، ۲۷ جولای ۱۹۹۳.

۷. نظرات در مورد منابع مالی نهضت حماس متفاوت است. بر پایه اطلاعات به دست آمده از يك منبع محلی، کویت و عربستان سعودی از زمان جنگ خلیج فارس ۳۰ میلیون دلار به این نهضت کمک مالی کرده‌اند رجوع کنید به:

Sara M. Roy, «Gaza: New Dynamics of Civic Disintegration», *Journal of Palestine Studies*, 22 (Summer, 1993), 29.

۸. نویسنده دوبرادر این کنفرانس‌های مربوط به خلیج فارس شرکت داشته است: اولی در ۲۲-۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ و دومی در ۲۸-۲۶ ژوئن ۱۹۹۳.

۹. فشرده‌ای از نظریات «وولسی» در منبع زیر چاپ شده است:

Journal of Palestine Studies, 22 (Summer, 1993), pp.155-157.

۱۰. به عنوان يك منبع موثق رجوع کنید به:

R.K. Ramazani, «Who started the Iraq - Iran War? A Commentary», *Virginia Journal of International Law* 33 (Fall, 1992), 69-89.

11. Richard F. Grimmit, *Conventional Arms Transfers to the Third World*, (Washington D.C., Congressional Research Service, 1993), p.69.

۱۲. برای بررسی روشن و مشتمل کننده این حادثه مراجعه کنید به:

David Evans, «Vincennts: A Case Study», *Proceedings of the U.S. Naval Institute* (August, 1993), 49-56.

۱۳. این اطلاعات از طریق مصاحبه‌های تلفنی و خصوصی از مقامات وزارت تجارت آمریکا در سپتامبر و اکتبر ۱۹۹۳ دریافت شده است.

۱۴. به عقیده ایران، يك نمونه اخیر برخورد بد مقامات آمریکائی در جولای ۱۹۹۳ صورت پذیرفته و مربوط بوده به تیم المپیاد فیزیک ایران که قصد شرکت در مسابقات بین المللی المپیاد فیزیک را داشته است. این مسابقات در محل کالج «ویلیام و ماری ویرجینیا» برگزار می‌شد. دانش‌آموزان ایرانی با تلاش فراوان آماده شده بودند در این مسابقات شرکت کنند و امید آموزگاران و خانواده‌های آنان نیز به موفقیتشان بسیار زیاد بود. مقامات آمریکائی از دادن روادید به این گروه خودداری کردند. به این ترتیب، تیم ایران به جای سفر به آمریکا و پیوستن به تیم‌های ۴۰ کشور دیگر، ناگزیر به تهران بازگشت.

۱۵. بیان شده در کنفرانسی با عنوان «روابط آمریکا - ایران: تنش‌ها و منافع متقابل»، ۸ سپتامبر ۱۹۹۳، واشنگتن دی.سی.

که بازرگانان آمریکائی همچنان ایران را بر تمام کشورهای خاورمیانه ترجیح می‌دهند.^{۱۳}

با وجود این واقعیت، دولت آمریکا به جای این که اجازه دهد روابط اقتصادی با ایران به شکل طبیعی و آرام برقرار شود و اساس روابط آینده دو کشور به ریزی گردد، به صورت بیهوده و شگفت‌آوری فرصت‌ها را از دست می‌دهد. برای نمونه، از ۱۹۸۷ تاکنون، دولت آمریکا هر سال با صدور آئین‌نامه‌ای، در روابط ایران و آمریکا حالت فوق‌العاده اعلام می‌کند. این باعث می‌شود که از ورود کالاها ایرانی به آمریکا تا اندازه زیادی جلوگیری به عمل آید. يك پیشنهاد عملی در زمینه سیاست خارجی در قبال ایران که دارای زیان ناچیز و سود فراوان است این است که به حالت فوق‌العاده و محاصره اقتصادی ایران پایان داده شود. اقدام دیگری که باعث ایجاد اعتماد می‌شود، این است که دولت آمریکا به خاطر ۲۹۰ مسافر هواپیمای ایرانی که در سال ۱۹۸۸ کشته شدند، غرامت بپردازد. شروع مذاکره برای رسیدن به توافق در مورد اموال مسدود شده ایران در آمریکا و یا پایان بخشیدن به برخوردهای خشن و بوروکراتیک نسبت به ایرانیانی که قصد ورود به آمریکا را دارند نیز می‌تواند مؤثر افتد.^{۱۴}

«بروس لینگن» دیپلمات عالی‌رتبه آمریکائی که در فاصله سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱ در ایران گروگان بوده است، می‌گوید: «متأسفم که دولت آمریکا هنوز روابط خوبی با ایران - یعنی حکومت کنونی - شروع نکرده است. اگر کسی در سال ۱۹۸۱ به من می‌گفت که ۱۲ سال بعد، دو کشور همچنان شمشیر به دست در برابر هم صف‌آرایی کرده‌اند، می‌گفتم عقل خود را از دست داده است.»^{۱۵}

شاید الان زمان آن فرا رسیده باشد که شمشیرها زمین گذاشته شود. هر دو طرف باید بکشند توهمات و افسانه‌هایی که واقعیت را تیره و تار ساخته است از بین ببرند، وگرنه ایران و آمریکا همچنان در خلیج فارس در برابر یکدیگر باقی خواهند ماند. بدیهی است چنین حالتی نه تنها برای کشورهای منطقه بلکه برای کشورهای وارد کننده نفت خلیج فارس زیانهای فراوان دربر خواهد داشت.

زیرنویس‌ها

۱. لس آنجلس تایمز، دوم ژانویه ۱۹۹۳.

۲. رجوع شود به مقاله:

Israel Shahak, «With Iraq Neutralized, Israelis Seek catalyst for war with Iran», *Washington Report on Middle East Affairs*, April - May 1993, p.10.

۳. بیانات دکتر ولایتی در چهل و هشتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۴ اکتبر ۱۹۹۳.

فشارهای آمریکا را پاسخ دهد. این فشارها به تقویت گروه‌های تندرو در داخل جمهوری اسلامی می‌انجامد و آنها نیز احساسات ضد آمریکایی مردم را برمی‌انگیزند.

حتی اگر سیاست فشار آمریکا بتواند ضربه سیاسی و اقتصادی مهمی به ایران وارد سازد، این امر پیامد فاجعه‌آمیزی برای ثبات و آرامش منطقه خلیج فارس خواهد داشت. در این زمینه آمریکا نباید ایران را با کشوری مانند عراق اشتباه بگیرد. ایران عامل بسیار بزرگتر، قوی‌تر و مؤثرتری برای ایجاد موازنه در منطقه خلیج فارس است. يك فیل سرسخت و زخمی ایرانی ممکن است به آسانی بقیه را در منطقه خلیج فارس لگدمال کند و باعث آزادسازی نیروهای جدیدی شود که می‌توانند برای همیشه موازنه حساس منطقه را برهم بزنند. هرچند وارد آوردن ضربه به ایران، موردپسند گروههایی در اسرائیل و عراق یا در میان گروههای مخالف جمهوری اسلامی در خارج کشور است، اما این امر در همان زمان می‌تواند فاجعه‌ای برای عربستان سعودی و دیگر کشورهای عضو شورای همکاری باشد.

بدیهی است نکته یاد شده به این معنا نیست که آمریکا باید در برقراری رابطه با ایران شتاب به خرج دهد. چنانکه در ضد توهم شماره ۸ آمده است، پیشنهاد می‌شود ابتدا با در پیش گرفتن سیاستی محتاطانه و عاقلانه، افسانه‌ها و واقعیت‌های موجود در رابطه با ایران، از هم تمیز داده شود. در پرتو چنین سیاستی باید از شعارهای افراطی بر ضد ایران کاسته شود و سیاست صبر و حوصله که درخور ابرقدرتی چون آمریکاست مدنظر قرار گیرد. ایالات متحده باید گفتگویی سازنده با ایران را - البته در سطح پائین - آغاز و سعی کند اعتماد این کشور را جلب نماید.

تجارت و روابط اقتصادی میان دو کشور، زمینه بکری است که می‌تواند نقطه آغازی برای بازسازی روابط دو کشور باشد. هم‌اینک با وجود روابط خصمانه میان آنها و کنترل صادرات به ایران توسط دولت آمریکا، ایالات متحده پنجمین کشور دنیا از نظر میزان صادرات به ایران است. ارزش صادرات آمریکا به ایران از ۱۶۶ میلیون دلار در سال ۱۹۹۰ به ۵۲۷ میلیون دلار در سال ۱۹۹۱ افزایش یافت. در سال ۱۹۹۳ این انتظار وجود داشت که ارزش صادرات آمریکا به ایران به رقمی در حدود ۸۰۰ میلیون دلار برسد. تجار و سرمایه‌گذاران آمریکائی همواره دستخوش وسوسه ورود به بازار ایران هستند. روزانه دستکم در ۴۰ مورد با وزارت بازرگانی آمریکا تلفنی تماس گرفته می‌شود و افراد در مورد تجارت با ایران و سرمایه‌گذاری در این کشور پرسش‌هایی مطرح می‌کنند. واقعیت این است